

دشواری آموزش زمان فعل‌ها برای زبان آموزان فارسی (با تأکید بر فعل التزامی و لزوم آشنایی با کاربردهای آن)

زینب عرب‌نژاد^۱

چکیده

یادگیری زمان‌ها در هر زبانی یکی از مهمترین بخش‌های دستور است. اهمیت این بخش در زبان‌هایی که فعل صرف می‌شود به مراتب بیشتر است؛ زیرا عموماً زمان فعل بر شناسه تصریفی اثرگذار است و به وسیله این شناسه‌ها تشخیص داده می‌شود. در آموزش زبان فارسی توجه به سلسله مراتب آموزشی از آسان به سخت و نیز توجه به کاربرد افعال بسیار مهم است. در این میان، فعل التزامی به خاطر ساختار و کاربردهای متنوعش دشواری بیشتری دارد. علاوه بر شکل ساختاری توجه به ابعاد معناشناختی این افعال که فقط در بافت و کاربرد، خود را نشان می‌دهد از موارد قابل توجهی است که تنها با تمرین و بافت شناسی و هم‌چنین متون کاربردی حاصل می‌شود. بسیاری از زمان‌ها همراه با خود، کنشی غیرمستقیم دارند و توجه به این ظرافت‌های آموزشی بسیار مهم و ضروری است. این پژوهش با نگاه به زمان افعال در زبان فارسی به چگونگی آموزش فعل التزامی و دشواری آن می‌پردازد و نیم‌نگاهی به متدهای زبان فرانسه برای آموزش این وجه دارد.

کلید واژه‌ها:

آموزش زبان، زمان فعل، فعل التزامی، ساختار فعل، کاربرد فعل.

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه تربیت معلم، ایمیل: arabnejadz@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

۱. مقدمه

زمان افعال یکی از مهمترین مباحث آموزشی در هر زبانی است. این که فقط ساختار زمان افعال را توصیف کنیم، برای آموزش کفایت نمی کند و زبان آموز نیاز دارد تا کاربردهای متنوع آن زمان را یاد بگیرد. این مسئله بخصوص با توجه به کنش های غیرمستقیم افعال شایسته توجه بیشتری است. دو مثال زیر این موضوع را نشان می دهد:

- الف - نمی نشینی؟ (در معنای بنشین امر غیرمستقیم است).
- ب - کاش می رفت! نه؟ (به جای کاش برود در فارسی گفتاری استفاده می شود).

برخی از این کنش ها در هر زبانی مشابه است. به نظر سرل برخی از جملا ت به صورت قراردادی دارای کنش غیر مستقیم هستند که در انگلیسی میتوان به چنین عباراتی اشاره کرد:

would you , could you , may you (searl, ۶۵)

- ممکنه این پاکت را به لحظه بگیرید؟
- لطفا می شه در را ببندید؟

این نمونه ها در فارسی کاربرد افعال و معنای ثانویه آنها را نشان می دهد. فعل التزامی یکی از افعالی است که زبان آموزان با کاربرد آن و تا حدی با ساخت آن مشکل دارند. در ادامه به علت این دشواری و روش های بهتر برای آموزش آن اشاره خواهیم کرد.

۲. پیشینه پژوهش

تاج الدین و عشقوی (۱۳۹۲) در مقاله ای به بیان پیشینه آموزش زمان فعل ها پرداخته اند که برای آشنایی با متد آموزش زبان در بسیاری از کتب آموزش زبان فارسی بخشی از آن نقل می شود:

«در کتاب های آموزش زبان فارسی با فنون مختلف به آموزش زمان پرداخته شده است که در ذیل مهم ترین آن ها بررسی می شود.

پورنامداریان (۱۳۸۴) در کتاب درس فارسی برای آموزش خارجی در بخش دستور هر درس، ساخت یکی از زمان های فارسی را توصیف می کند و در کنار ترجمه انگلیسی آن کاربرد هر زمان را به انگلیسی توضیح می دهد. تمرین هایی

که در این کتاب برای یادگیری زمان‌های فارسی آمده به این صورت است که از زبان آموز خواسته شده تا ترجمه فارسی جمله انگلیسی را بنویسد. روش این کتاب عمدتاً در چارچوب دستور ترجمه است.

ضرغامیان (۱۳۸۱) در کتاب‌های آموزشی دوره آموزش زبان فارسی از مبتدی تا پیشرفته در درس‌های مربوط به آموزش زمان، ابتدا در جمله‌ای الگوی زمان مورد نظر را می‌آورد و سپس تصویر مربوط به همان جمله را ارائه می‌کند. وی پس از ارائه تمرین‌های مختصر به متنی می‌پردازد که مرتبط با زمان مورد نظر در درس است. او در جلد سوم کتاب خود همه زمان‌ها را همراه با ساخت آنها یک‌جا آموزش می‌دهد و در قالب فعل برای آنها مثالی ارائه می‌دهد و در متن از زبان آموز می‌خواهد تا زمان فعل‌ها را تعیین کند.

صفا مقدم (۱۳۸۲) در کتاب فارسی عمومی ۱ (ساختارهای پایه) شیوه‌ای مشابه پورنامداریان اتخاذ می‌کند که فقط مثال‌های آن متفاوت است. البته محتوای جمله‌ها در تمرین‌های درس با محتوای جمله‌های پورنامداریان متفاوت است، اما شکل و قالب کار تقریباً یکی است. برای آشنایی بیشتر با این پیشینه به مقاله تاج‌الدین و عشقوی (۱۳۹۲) مراجعه شود.

«با نگاهی دقیق به کتاب‌های آموزش زبان فارسی این نکته روشن می‌شود که بیشتر آنها به ساخت زمان توجه فراوان دارند و با توضیح مختصر کاربرد هر یک از زمان‌ها در قالب جمله، زبان آموز را با کاربرد مناسب زمان‌های فارسی در بافت کلام آشنا نمی‌سازند. این روش‌های آموزش سنتی که برای آموزش فارسی به فارسی‌زبانان به کار می‌روند، کمک چندانی به فارسی آموز خارجی نمی‌کنند و آن‌ها را فقط با نام و ساخت زمان‌های فارسی آشنا می‌کنند، حال آن‌که هدف آموزش زبان دوم / خارجی آموزش چگونگی ایجاد ارتباط و کاربرد درست زبان در موقعیت‌های واقعی است. به عبارتی، زبان آموز باید توانایی کاربرد زبان را به دست آورد. دانش محض زبانی، توانش ارتباطی زبان آموز را در بافت‌ها و موقعیت‌های مختلف تقویت نخواهد کرد و نتیجه آموزش زمان‌های فارسی بر اساس فعالیت‌های غیرارتباطی و عاری از پیوند بین ساخت، معنی و کاربرد به استفاده نادرست و نابجای زمان‌های فارسی و سردرگمی زبان آموز در یادگیری زمان‌های فارسی می‌انجامد. مهمترین دلیل این ناکارآمدی در آموزش

زمان‌های فارسی روش‌های سنتی گذشته است. به نظر می‌رسد با استفاده از روش‌ها و رویکردهای نوین آموزشی بتوان راهکاری برای حل این مشکل پیدا کرد. اگر مهمترین هدف از یادگیری زبان دوم را ایجاد ارتباط در نظر بگیریم، رویکرد ارتباطی در آموزش زبان بهترین گزینه به نظر می‌رسد» (تاج‌الدین و عشقوی، ۱۳۹۲).

در مورد فعل التزامی نیز پژوهش‌های زیر به طور خاص انجام شده است: مظاهری، هاشمی و متولی (۱۳۸۳) در مقاله «بررسی و تحلیل وجه التزامی در زبان فارسی» صرفاً به بررسی شکل تعریف این فعل در کتاب‌های دستور زبان فارسی پرداخته‌اند که به آموزش آن به غیرفارسی زبانان مربوط نیست. راه‌های بیان التزام و کاربردهای صورتهای التزامی در زبان فارسی از رحیمیان و خرمایی (۱۳۹۸) مقاله‌ای است که در آن نویسندگان به بیان پانزده کاربرد برای فعل التزامی پرداخته‌اند.

۳. دشواری فعل التزامی

در توضیح فعل التزامی باید به ویژگی دستور آموزشی دقت کنیم: اساس دستور آموزشی دستور توصیفی است. به عبارت دیگر، به جای توضیح یک مقوله دستوری کاربرد آن مقوله نشان داده می‌شود. بسامد، کاربرد، سادگی ساختاری از جمله ویژگی‌های این دستور است. در دستور آموزشی مقولات پرسامد از نظر وقوع و تعداد موضوع و با قابلیت یادگیری و سادگی بیشتر در دوره مقدماتی ارائه می‌شوند. این دستور همچنین از چارچوب نظری و استفاده از نظریات علمی زبان‌شناسی محتوا محور و تکلیف محور برخوردار است. دیگر آن که این دستور غیرخطی است و فرایندی است که زبان‌آموز از طریق یافتن ارتباط میان صورت و معنا و کاربرد به کشف قواعد و الگوها می‌پردازد. (چندشوما، ۲۰۰۲ به نقل از رضایی و کوراوند، ۱۳۹۳).

واضح است که با تعریف فعل التزامی نمی‌توان به زبان آموزان تمامی کاربردهای آن را آموزش داد. دشواری آموزش فعل التزامی در دستور زبان برای زبان آموزان غیرفارسی زبان، از دو جهت ساختار و معنا شناسی قابل بررسی است:

۱. ساختار؛ ساختار این فعل (در زمان حال) بر اساس بن مضارع است که طبیعتاً چون ساختارمندی در آن دشوار است و هنوز به صورت مدون این زمان و اشکال باقاعده و بی‌قاعده آن دسته بندی نشده، فراگیری و حفظ آن دشوار است. از لحاظ ساختار، فعل ماضی التزامی راحت‌تر است؛ چون با استفاده از بن ماضی ساخته می‌شود اما کاربرد آن به مراتب کمتر از مضارع التزامی است. از لحاظ ساختاری می‌توان به جای فعل گذشته التزامی از زمان‌های دیگر مثل ماضی استمراری یا بعید استفاده کرد:

کاش احمد به دیدار مادر سالمندش رفته باشد. کاش احمد به دیدار مادر سالمندش رفته بود (می رفت).

اما از لحاظ معنا شناسی تفاوت در مثال‌های بالا واضح است که عدم قطعیت در فعل التزامی، در زمان بعید و یا استمراری جای خود را به اطمینان از انجام ندادن گزاره توسط احمد داده است. کاربرد این فعل در زبان گفتاری به مراتب کمتر از حال التزامی است.

۲. معنا شناسی؛ منظور از دشواری معناساختی این فعل، درک زبان آموز از موارد استفاده آن و به عبارتی کاربردشناسی این فعل است. از آنجایی که در برخی از زبان‌ها این وجه شکل ساختاری معینی ندارد درک موارد استفاده آن برای زبان آموز دشوار می‌شود. برای مثال در زبان عربی و انگلیسی وجه التزامی در همان صورت مصدری (در زبان انگلیسی) یا فعل مضارع و اسم مصدر (زبان عربی) صرف می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

• أُحِبُّ زیاره صدیقی (استفاده از اسم مصدر)

• أُحِبُّ أَنْ اِحْوَل ان اکون ناجحا (استفاده از فعل مضارع)

I like to visit my friend

I like to try to be successful

اگرچه به نظر می‌آید زبان آموزان (بخصوص از زبان عربی و زبان انگلیسی) معنای فعل التزامی را به خوبی درک کنند اما از آنجایی که ساختار مشخصی در این زبان‌ها ندارد درک ساختار آن در زبان فارسی برایشان دشوار است و هنگام ساخت آن دچار اشتباه می‌شوند. برای مثال در مورد زبان آموزانی با زبان مادری عربی مشاهده می‌شود که در هنگام استفاده از فعل مضارع التزامی، به

تبعیت از زبان عربی فعل مضارع به کار می‌برند. زبان فرانسه نیز مانند زبان فارسی در بیان حالاتی چون آرزو، عدم قطعیت، شک، الزام و اجبار از ساختار صرفی معینی استفاده می‌کند. در فعل التزامی در زبان فرانسه نیز شناسه پایانی فعل تغییر می‌کند. چند کتاب مطرح در آموزش زبان فرانسه که در ایران نیز شناخته شده‌اند به شرح زیر است:

Café crème / Taxi / Alter ego / Campus

البته تعداد کتاب‌های آموزش زبان فرانسه بسیار زیاد است و این چهار کتاب از مشهورترین آنها هستند و چون هر یک در برهه‌ای از زمان در بین فرانسه‌آموزان ایرانی مطرح بوده است به عنوان نمونه معرفی شدند. ترتیب آموزش در تمامی این کتاب‌ها یکسان نیست. اما عموماً از دوره میانی شروع به آموزش فعل التزامی می‌کنند. در زبان فارسی رحیمیان و خرمائی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «راه‌های بیان التزام و کاربردهای صورت‌های التزامی در زبان فارسی» به بیان کاربردهای فعل التزامی پرداخته‌اند که می‌تواند معیار خوبی برای آموزش آن باشد.

فعل التزامی در زبان فرانسه از ساختار متنوع‌تری نسبت به فارسی برخوردار است و به این خاطر تا مراحل پیشرفته زبان آموزی ساخت‌های متنوع آن آموزش داده می‌شود؛ مثلاً آنها از ماضی استمراری التزامی و ماضی بعید التزامی استفاده می‌کنند.

۴. آموزش فعل التزامی

نکات زیر در آموزش اصولی فعل التزامی موثر است:

۴-۱. تسلط بر بن مضارع

یادگیری بن مضارع یکی از پیچیدگی‌های افعال فارسی است. از آنجایی که در ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی و امر و علاوه بر آن در تصریف اسم‌ها هم به کار می‌رود، دقت و توجه بیشتری برای دسته‌بندی و تدوین آن لازم است. می‌توان مانند زبان انگلیسی به دسته‌بندی افعال در قالب قاعده‌مند و بی‌قاعده پرداخت که البته خود نیاز یک پژوهش‌مدون و تخصصی است. در حال حاضر به شیوه آموزش هر معلم زبان فارسی بستگی دارد.

۴-۲. رعایت سلسله مراتب آموزش از آسان به دشوار

بحث آموزش زمان فعل‌ها بسته به آسانی و سختی آنها باید مورد توجه قرار گیرد. مثلاً در زبان فارسی فعل ماضی آسان‌تر از فعل مضارع است. اگرچه کاربرد فعل مضارع در هر زبانی بیشتر است اما زبان ماضی را به راحتی می‌توان آموزش داد و به این ترتیب زبان آموز با مصدر و شناسه‌ها در زبان فارسی آشنا می‌شود و به خاطر قاعده‌مندی فعل ماضی، تسلط خوبی بر این فعل می‌یابد. بعد از آن می‌توان به فعل مضارع و نهایتاً بعد از تسلط زبان آموز به فعل التزامی پرداخت.

۴-۳. رعایت سلسله مراتب آموزشی بر اساس کاربرد

کاربرد زمان‌ها مبنای دیگری برای تدریس آنهاست. به قول کرانکه (۱۹۸۷) «دشواری» و «بسامد» دو عامل تعیین کننده در اولویت بندی محتوای آموزشی است. بر این اساس زمان‌هایی که بیشترین کاربرد را در زبان فارسی دارند در کنار اصل دیگر یعنی دشواری یا آسانی باید مد نظر قرار گیرند.

علاوه بر این، توضیح فعل التزامی بر اساس کاربردهای آن و تخصیص چندین درس و سطح بندی فعل التزامی از موارد ضروری است. برای مثال در کتاب‌های زبان فرانسه با آنکه فعل التزامی از سطح میانی آغاز می‌شود، همه کاربردهای آن در این سطح بیان نمی‌شود و برخی از سطوح استفاده آن در سطح پیشرفته معرفی می‌شود. تاکید مدرسان زبان فرانسه نیز بر کاربرد این فعل به جای تمرکز بر ساختار آن است؛ آلبرت من در مقاله‌ای با عنوان «درباب تدریس فعل التزامی در زبان فرانسه» اذعان می‌کند: «یکی از مشکلات تدریس فعل التزامی این است که نخست باید این ذهنیت را تصحیح کند که برخی از اصطلاحات و فعل‌هایی مثل آرزو کردن این قدرت جادویی را دارند که بلافاصله بعد از خود وجه التزامی تولید کنند؛ حال آنکه لزوماً اینطور نیست و صرفاً معنا و کاربرد تعیین کننده است و نه ساختار (mann, ۱۷۳)».

برای روشن شدن همین دشواری در زبان فارسی به دو مثال زیر توجه کنید. یکی از کاربردهای فعل ماضی التزامی در زبان فارسی نیز بیان دوست داشتن‌ها و آرزوهاست اما در عین حال می‌توان این فعل را با زمان‌های دیگری تغییر داد:

- الف- من دوست داشتم با او بروم.
- ب- من دوست داشتم با او می‌رفتم.

اگر با نظریه کنش‌های گفتاری (speech acts) و کنش‌های مستقیم و غیر مستقیم جان سرل به توضیح این دو جمله پردازیم به این نتیجه می‌رسیم که «می‌رفتم» در فعل دوم کاملاً ابعاد معناشناختی دارد و کنش غیرمستقیم این جمله به این معناست که گوینده دوست داشته با او برود اما نرفته است. در حقیقت ساختار ماضی استمراری در این جمله بیش از آنکه کنشی مستقیم را اظهار کند بیانگر کنشی غیرمستقیم است: من دوست داشتم با او می‌رفتم (اما نرفته‌ام)

در جمله اول فعل التزامی به مراتب کنشی مستقیم‌تر را به نمایش گذاشته است. کاربرد شناسی این افعال فقط از طریق تمرین و تکرار و خواندن متون بسیار اتفاق می‌افتد.

۵. کنش‌های گفتاری و کاربرد افعال

سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته عمده تقسیم‌بندی کرد:

۱. **اظهاری**^۱: هدف بیانی این کنش توصیف حادثه یا حالتی است. به زعم او مهمترین خصیصه این کنش‌ها قابل اثبات بودن و صدق و کذب‌پذیری آنهاست. به عبارتی این دسته از افعال بیانگر اعتقادات گوینده هستند و محتوای گزاره‌ای را با جهان خارج تطبیق می‌دهند. (به قول او رویکردی word to world دارند). گوینده در صدد گفتن این مسئله است که چیزها و اشیا چگونه‌اند. برخی از افعالی که در اینگونه کنش‌ها استفاده می‌شود عبارتند از: تایید کردن، تصدیق کردن، بیان کردن، اظهار کردن شرح دادن، دلیل آوردن، گزارش دادن.

۲. **ترغیبی**^۲: در این اظهارات گوینده از شنونده می‌خواهد کاری را به انجام برساند یا از انجام کاری دست نگاه دارد. این گونه اظهارات را می‌توان به اعتبار دسته بندی‌های سنتی همان امر و نهی دانست. در این کنش‌ها گوینده می‌کوشد جهان را با محتوای گزاره‌ای کنش تطبیق دهد. (به قول سرل رویکردی world to word دارند). این کنش بیانگر خواست‌ها و تمایلات گوینده است و نمونه بارز آن را می‌توان در درخواست‌ها، پرسش‌ها و اوامر و نواهی مشاهده کرد. از جمله فعل‌هایی که در این گونه کنش‌ها به کار می‌رود

1. Representative

2. Directive

می‌توان به این موارد اشاره کرد: اجازه دادن، التماس کردن، اخطار کردن، خواهش کردن، تقاضا کردن، اصرار کردن، توصیه کردن، توضیح خواستن.

۳- تعهدی^۱: در اینگونه اظهارات گوینده به انجام کاری متعهد می‌شود. این تعهد را او در قالب افعالی مانند سوگند خوردن، قول دادن، تعهد کردن نشان می‌دهد. در حقیقت او در صدد تطبیق جهان خارج با محتوای گزاره‌ای کنش است. (رویکردی world to word دارد). برخی از افعال به کار رفته در این کنش عبارتند از: موافقت کردن، قول دادن، ضمانت کردن، تعهد کردن، تقدیم کردن. در این بخش هم می‌توان از فعل التزامی و غیر آن در پارهٔ دوم گفتار بهره برد:

- الف- قول می‌دهم پروژه را سر وقت تحویل می‌دهم.
- ب- قول می‌دهم پروژه را سر وقت تحویل خواهم داد.
- ج- قول می‌دهم پروژه را سر وقت تحویل بدهم.

اطمینان از تحویل پروژه در مثال دوم و سوم بیش از مثال اول است و رویکرد تطبیقی بیشتری با جهان خارج دارد. از لحاظ کاربرد شناسی هم مثال سوم کاربرد بیشتری دارد.

۴- بیانی یا عاطفی^۲: هدف غیر بیانی این کنش ابراز احساسات و عواطفی است که گوینده با شخص یا اشخاص دیگری سهیم شده است. در واقع با بیان یک گزاره احساسی در فرد به وجود می‌آید که او در قالب این کنش به ابراز آن می‌پردازد. در این گونه اظهارات گوینده احساس خود از قبیل تشکر، ابراز همدردی، بیان تسلیت و تبریک را بیان می‌کند. اهانت کردن، ناسزا گفتن، همدردی کردن، تعجب کردن، سلام کردن، تمجید کردن، احترام گذاشتن، تشکر کردن از جمله افعالی است که در این کنش به کار می‌رود.

- الف- ممنون می‌شوم این کار را برای من انجام بدهید.
- ب- ناراحت می‌شوم که شما به سخنان من توجه نکنید.

در هر دو مثال جملات شرطی بدون قید (اگر) با وجه التزامی بیان شده‌اند که البته از افعال دیگر هم به راحتی می‌توان در این جملات استفاده کرد.

۱. Commissive

۲. Expressive

۵. اعلامی^۱:

هدف غیر بیانی این کنش اعلام شرایط تازه‌ای برای شنونده است. با این اعلام‌ها تغییراتی واقعی در جهان ایجاد می‌شود. این کنش ناشی از قدرت گوینده در ایجاد تغییرات است. مانند این جمله: تو را به مدیریت این بخش منصوب می‌کنم. برخی از افعال به کار رفته در این کنش عبارتند از: اعلام کردن، انتصاب کردن، برکنار کردن.

سرل اظهار می‌کند که این دسته بندی‌ها را بر اساس دوازده تمایز میان کنش‌های گفتاری انجام داده است. به عبارتی مبنای تقسیم بندی او تمایزاتی است که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

- هدف یک کنش: هدف کنش ممکن است دستور، بیان یا توصیف باشد.
- تفاوت انطباق میان جهان و کلمات. برخی جملات می‌خواهند جهان را با کلمات انطباق دهند و برخی جملات می‌خواهند کلمات را با جهان انطباق دهند.
- حالت روانی و صداقت جملات گفته شده؛ مثلاً در جملات قصد دارم، می‌خواهم یا اعتقاد دارم حالات روانی گوینده بیانگر کنش‌هایی متفاوت است.
- تفاوت در قدرت بیانی کنش‌ها مثلاً در دو جمله زیر قدرت متفاوت کنش‌ها را مشاهده می‌کنیم:
- قسم می‌خورم که او پول را دزدیده است.
- حدس می‌زنم که او پول را دزدیده است.

در دو مثال اخیر می‌توان به راحتی فعل التزامی را جایگزین کرد حتی اگر فعل حدس می‌زنم را از ابتدای جمله حذف نکنیم: حدس می‌زنم او پول من را دزدیده باشد.

کنش مستقیم و غیر مستقیم:

سرل معتقد است برخی از کنش‌ها دارای دو معنا هستند یک معنای تحت اللفظی و یک معنای ثانویه. در واقع در کنش غیر مستقیم گوینده چیزی فراتر از معنای تحت اللفظی کلمات به شنونده منتقل می‌کند که این مسئله بر اساس اطلاعات پیش زمینه‌ای و قبلی است که به صورت دو جانبه میان شنونده و گوینده وجود دارد. در اینگونه کنش‌ها، گوینده می‌خواهد شنونده را متوجه قصد و نیت خود کند و منظور او معنای تحت اللفظی کلمات نیست (sear1)

۱. Declaration act

(p, indirect, ٦٠). برای مثال به نمونه زیر توجه فرمایید:

- باید به نمایشگاه برویم و الا دیر می شود.
- من هنوز آماده نیستم.

معنای اولیه در اینجا ردّ سخن گوینده اول است و معنای ثانویه همان معنای تحت اللفظی است که نشان می دهد گوینده دوم آماده نیست. به نظر سرل برخی از جملات به صورت قراردادی دارای کنش غیر مستقیم هستند که در انگلیسی می توان به عباراتی چون would you , could you , may you اشاره داشت. (همان ٦٥). این کنش های غیر مستقیم در مواردی چون در خواست مؤدبانه، خواستن و تمایل به انجام کاری مورد استفاده قرار می گیرد.

فعل التزامی و کنش های غیر مستقیم

فعل التزامی در زبان فارسی در برخی از موارد کاربردی غیرمستقیم دارد و در برخی موارد قابل جایگزین با زمان های دیگر است. به این مثال ها توجه کنید:

- الف- کاش به خرید برویم.

- ب- ای کاش دولت به حسابرسی شرکت های بزرگ بیشتر توجه کند.

در جمله الف گوینده به صورت غیرمستقیم خواهش می کند. در جمله ب نیز گوینده تمایل خود را با نوعی مصلحت اندیشی همراه با واهمه (بدون دستور مستقیم به دولت) با فعل التزامی بیان کرده است. گاهی اوقات لازم نیست فعل یا اصطلاحی مستقیماً آرزو را بیان کند؛ مثلاً در موارد بیان امید و آرزو بعد از اصطلاح «ان شالله» هم فعل التزامی به کار می رود: **ان شالله موفق باشید. ان شالله بهتر شوید.**

برای بیان ترجیح نیز می توان از این فعل استفاده کرد:

- الف- بهتر است+ مضارع التزامی: بهتر است امروز به پیاده روی برویم.
- ب- بهتر بود+ مضارع التزامی: بهتر بود به پیاده روی بروی.
- ج- بهتر بود+ ماضی استمراری: بهتر بود به پیاده روی می رفتی.

در این دو جمله گوینده مطمئن است مخاطب به پیاده روی نرفته است و به کنشی غیرمستقیم به شماتت او می پردازد؛ اگرچه فعل ماضی استمراری از لحاظ ساختاری تقریباً کاربرد ماضی التزامی را بازی کرده اما از لحاظ معنایی تفاوتی

ظریف را ایجاد کرده است. به نمونه زیر توجه کنید:

- الف- من دوست داشتم با او بروم.
- ب- من دوست داشتم با او می‌رفتم.

اگر با نظریه کنش‌های مستقیم و غیر مستقیم جان سرل به توضیح این دو جمله پردازیم به این نتیجه می‌رسیم که «می‌رفتم» در فعل دوم کاملاً ابعاد معنا شناختی دارد و کنش غیرمستقیم این جمله به این معناست که گوینده دوست داشته با او برود اما نرفته است. در حقیقت ساختار ماضی استمراری در این جمله بیش از آنکه کنشی مستقیم را اظهار کند بیانگر کنشی غیرمستقیم است:

- من دوست داشتم با او می‌رفتم (اما نرفته‌ام).

در جمله اول فعل التزامی به مراتب کنشی مستقیم‌تر را به نمایش گذاشته است. کاربرد شناسی این افعال فقط از طریق تمرین و تکرار و خواندن متون بسیار اتفاق می‌افتد. اما در جمله اول دو برداشت وجود دارد:

- من دوست داشتم بروم و به این خاطر این کار را انجام دادم.
- من دوست داشتم با او بروم اما نرفتم.

در این مورد اهمیت بافت در فهم معنای فعل مشخص می‌شود. به مثال زیر توجه فرمایید:

- الف- کاش يك پاكٲ شير خريده بودی.
- ب- کاش يك پاكٲ شير می‌خریدی.
- ج- کاش يك پاكٲ شير خريده باشد.
- د- کاش يك پاكٲ شير بخری.

در مثال‌های بالا نیز پتانسیل افعال برای بیان کنش‌های غیرمستقیم به چشم می‌خورد.

- الف- ای کاش يك پاكٲ شير خريده بودی اما نخريدی؛ گوینده هنوز امید دارد مخاطب يك پاكٲ شير بخرد و غیرمستقیم از او تقاضا می‌کند.
- ب- ای کاش يك پاكٲ شير می‌خریدی به طور غیرمستقیم یعنی بخر.
- ج- نمی‌دانم آیا خريده است یا نه.
- د- کنش غیرمستقیم؛ لطفاً شير بخر.

این مثال‌ها نشان می‌دهد کاربرد شناسی افعال بخصوص فعل التزامی نیازمند خواندن متون و آشنایی با بافت و ابعاد معناشناختی زبان فارسی است.

نتیجه

آموزش زمان افعال همواره یکی از مهمترین و دشوارترین بخش‌های آموزش هر زبانی است. فعل التزامی از فعلهایی است که دشواری بیشتری در آموزش آن دیده می‌شود. علاوه بر ساختار فعل التزامی کاربردهای متنوع آن و همچنین ابعاد معناشناختی و کاربردی استفاده از این فعل یادگیری آن را دشوار کرده است. زبان آموزان عموماً به تبعیت از زبان مادری‌شان عمل می‌کنند. مثلاً عرب زبانان عموماً به جای این فعل، مضارع به کار می‌برند یا انگلیسی زبانان مصدر. آموزش فعل التزامی نیازمند توجه ویژه است. کتاب‌های زبان فرانسه می‌تواند الگوی خوبی در این زمینه باشد. اگرچه اشکال فعل التزامی در زبان فرانسه بیشتر است اما سطح بندی کاربردهای آن می‌تواند در زبان فارسی نیز استفاده شود. توجه به کاربردهای فعل التزامی تنها از طریق تمرین و برخورد (exposure) بیشتر با آن است. مدرسان زبان فارسی بایستی با کنش‌های غیرمستقیم زبانی و کاربرد آنها بخصوص در زمان افعال آشنایی داشته باشند و به صورت کاربردی آن را آموزش دهند. دسته بندی کاربردهای فعل التزامی بر اساس بسامد تکرارشان در کتاب‌های آموزش زبان فارسی ضرورتی است که باید مورد توجه قرار گیرد و به صورت سطح بندی شده به زبان آموزان آموزش داده شود.

منابع و مأخذ

۱. پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۴)، درس فارسی برای فارسی آموزان خارجی: دوره مقدماتی، چاپ پنجم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. تاج الدین، ضیاء الدین، ملیحه عشقوی (۱۳۹۲)، «آموزش زمان‌های فارسی به غیرفارسی زبانان: مقایسه روش‌های تدریس ساختاری و ارتباطی»، علم زبان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۸.
۳. حاجی سید رضایی، اکرم بیگم؛ صحرایی رضا مراد (۱۳۹۴) «آموزش دستور زبان فارسی به خارجی‌ان در چارچوب رابطه بین کارکردهای زبانی و صورت‌های دستوری»، پژوهش‌های زبان شناسی، دوره ۷، ش ۱۳، صص: ۵۷-۸۴.
۴. رحیمیان، جلال؛ خرمائی علیرضا (۱۳۹۸) «راه‌های بیان التزام و کاربردهای صورت‌های التزامی در زبان فارسی» زبان شناسی تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۴۷-۵۷.
۵. ضرغامیان، مهدی (۱۳۸۱)، دوره آموزش زبان فارسی: از مبتدی تا پیشرفته، چاپ سوم، تهران: انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۶. متولی سید مهدی، هاشمی، مرتضی، مظاهری، جمشید (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۳۸، صص ۹۵-۱۰۸.

7. Albert Mann , (1920) ,On Teaching the Subjunctive Mood in French, The Modern Language Journal , Jan., 1920, Vol. 4, pp. 171-177.

۸. Krahanke, K. (1987). Approaches to Syllabus Design for Foreign Language Teaching. EnglewoodCliff: Prentice-Hall.

9. Searl. john (1976) ,Indirect speech act, Berkeley: University of California press,.